



صورت جلسه ماه‌های آوریل و می

در جلسه ماه آوریل ابتدا مسئول هیئت مدیره گزارش کوتاهی از مراسم جشن نوروز امسال و چگونگی برگزاری جشن ارائه داد و سپس در مورد هزینه‌ها و کلاً حسابداری جشن نوروز توضیحاتی کامل و مفصل داده شد که در نهایت بیان جشن مثبت و کمی سودآور بوده است. در ادامه مسئول هیئت مدیره از تمامی اعضاء و دوستان و همچنین Mme Chalabi که زحمت کشیده و برای برگزاری این جشن کمک کردند تشکر کرد.

سپس مسئول حسابداری انجمن خاطرنشان کرد که با بررسی‌های انجام شده و جویا شدن نظرات اعضای انجمن تصمیم بر این است که در حد امکانات از این گونه جشن‌ها، چند بار در سال گرفته شود تا باعث گردهمائی بیشتر خانواده‌های اعضای انجمن بشود. در ادامه، مسئول حسابداری گزارشی در مورد وضعیت حق عضویت‌ها که رضایت‌بخش هست و بازپرداخت وام‌ها که در حالت متوسط است، ارائه داد.

در قسمت بعدی، نماینده یک شرکت تلفنی توضیحاتی در باره ارتباط تلفنی با کشورهای دیگر و بخصوص ایران را با قیمت بسیار پایین و تخفیف برای اعضای انجمن، داد.

مرحله دوم جلسه اختصاص به حضور دو مسئول سندیکای FNTI داشت که در مورد تظاهرات روز ۶ آوریل تاکسی‌های پاریس و علل این تظاهرات توضیحات مفصلی دادند و اظهار داشتند که علت این تظاهرات در رابطه با خواسته‌های آنها با شهرداری پاریس و وزارت داخله است که با مذاکرات انجام شده با شهرداری پاریس به توافق رسیدیم ولی در مورد وزارت داخله منتظر جواب هستیم و به همین علت در حال حاضر تظاهرات ۶ آوریل انجام نمی‌گیرد و به تاریخ بعدی، پس از گرفتن جوابهای وزارت داخله، موکول خواهد شد.

بطور خلاصه خواسته‌های سندیکاها در رابطه با مسائل تاکسیهای پاریس این چنین است:

- درخواست ایجاد couloirs de bus در قسمت بالای Voie sur Berges بعد از بسته شدن دائمی این قسمت Quai Haut - ممنوع کردن Autolib در مورد استفاده از couloirs de bus
- جلوگیری از تغییر دادن و بستن ایستگاههای تاکسی برای استفاده از Autolib
- مخالفت کامل و جلوگیری از گسترش شرکت Low Cost - Easy Take
- ایجاد توالتهای عمومی در اکثر ایستگاههای تاکسی در حد امکانات

از دیگر مسائلی که در جلسه ماه مه مطرح شد، بحث پیرامون ماهنامه انجمن، پیشنهاد سخنگوی هیئت مدیره در باره انطباق اعضای انجمن با اساسنامه و تصمیمات هیئت مدیره و انتخاب مکان پیک‌نیک بود.

«هیئت مدیره»

گفتگو با مظفر

در رابطه با مسائل برگزاری جشن نوروز که امسال (۱۳۹۰) در سالن JET-SET برگزار شد گفتگویی با مظفر داریم که نظر تان را به این گفتگو جلب می‌کنیم.

- قبل از هر چیز علت این گفتگو را بیان کنید

مظفر: با سلام، در ابتدا لازم به تذکر است که این گفتگو به درخواست خود من بوده، به علت اینکه در ماهنامه شماره ۱۶ در قسمت گزارش جشن نوروز، چند مصاحبه با افراد مختلف در مورد برگزاری شب جشن نوروز انجام شده بود و بهتر دیدم که اگر مصاحبه‌ای نیز با یکی از اعضای انجمن که در این جشن شرکت نکرده‌اند، انجام بشود، شاید مقدار زیادی از توهّمات و نقاط کور و مسائلی که بین بعضی از اعضای انجمن و همچنین هیئت مدیره ایجاد شده و احترام به تصمیمات هیئت مدیره بیشتر روشن شود. به این دلیل از هیئت مدیره و هیئت تحریریه تقاضای این گفتگو را کردم که هر دو هیئت لطف کرده و با این پیشنهاد موافقت کردند.

توضیح اینکه مصاحبه‌هایی که انجام شده از کسانی بوده که در جشن نوروز شرکت داشته‌اند و نظرشان را راجع به Ambiance و موزیک و سرویس و غذا و غیره بیان کرده‌اند. با در نظر گرفتن اینکه شما در این جشن شرکت نکرده‌اید نظر تان را بیان کنید.

مظفر: چرا من و سه تن دیگر از دوستانی که بازمانده‌های آخری تأسیس انجمن، و کسانی که همراه با آنان پاهای اصلی برگزاری جشن‌های نوروز انجمن بوده‌اند شرکت نکردند، توضیحاتی می‌دهم: در مورد جشن نوروز قبل از برگزاری این جشن هم گفتم که گرفتن این سالن برای برگزاری جشن اشتباه است. در انجمن هیئت مدیره، اجبار و حق انتخاب سالن را ندارد و فقط مسئول برگزاری جشن نوروز می‌باشد و عرف بر این بوده که هیئت مدیره مکانهای مختلفی که در نظر گرفته است را در جلسه عمومی انجمن به اعضا پیشنهاد می‌کند و با در نظر گرفتن عقاید و نظرات اکثریت اعضا یک سالن را انتخاب می‌کند. ولی امسال هیئت مدیره اعلام کردند که این سالن را گرفته‌اند و تمام! و به نظر من که تا به حال جشن‌های انجمن، که یک حالت دوستانه و مخصوصاً خانوادگی داشته نباید در این سالن برگزار می‌شد. بحث اصلی من این بود که جای سالن محل مناسبی از نظر اخلاقی نیست.

خاطر نشان می‌کنم که در ماهنامه شماره ۱۵ صفحه اول، قسمت صورت جلسه ماه فوریه، تیتر: یادآوری آئین‌نامه داخلی انجمن صفحه ۷ بند ۶ آئین‌نامه (از

وظایف هیئت مدیره، برگزاری مراسم جشن نوروزی می‌باشد و تنها هیئت مدیره انجمن است که مسئول تعیین مکان و زمان برگزاری مراسم جشن نوروزی می‌باشد). هیئت مدیره است که تصمیم آخر را می‌گیرد، ولی طبق معمول، هیئت مدیره در جلسه عمومی انجمن، در مورد برگزاری جشن نوروز، نظرخواهی می‌کند و نظر اکثریت اعضا را پرس و جو می‌کند ولی با تمام این مسائل، هیئت مدیره است که تصمیم نهائی را اتخاذ می‌کند.

مظفر: قبول، نمی‌توانیم اعتراض بکنیم، درست، ولی وقتی یکی از اعضا پیشنهاد کرد که من حاضرم حتی تا ۲۰۰ کیلومتری بیایم و چادر بزنم و دست بچه‌هایم را بگیرم و در جشن شرکت کنم، و همچنان که می‌دانیم در آن تاریخ هنوز قراردادی بین هیئت مدیره انجمن و مسئول رستوران امضاء نشده بود و با در نظر گرفتن اینکه پیدا کردن سالن دیگری راحت بود و من خودم چند سالن آماده پیدا کرده بودم، ولی تمامی این پیشنهادات در نظر گرفته نشد و اعتراضی که ما به مکان برگزاری جشن نورز کردیم به اشتباه تبدیل به اعتراض به هیئت مدیره شد و چند نفری از دوستان این چنین وانمود کردند که ما بر علیه هیئت مدیره هستیم در صورتیکه اصلاً چنین مسئله‌ای وجود نداشت و من که خودم به چهار نفر از افراد این هیئت مدیره رأی داده‌ام، بعد از گذشت ۲ ماه چگونه می‌توانیم علیه آنها باشیم و من نه تنها هیئت مدیره را تأیید می‌کنم بلکه از آنها پشتیبانی نیز می‌کنم. اما انتقاد از هیئت مدیره، و جایی که کارشان ایراد دارد مسئله دیگر است. ما به محل برگزاری جشن نوروز اعتراض کردیم و اظهار داشتیم که جایی عالی در وسط پاریس، خیابان شانزله‌یزه و غیره ولی جشن انجمن، خانوادگی و دوستانه است و تا به حال هر جشنی که در پاریس توسط دیگران گرفته شده است با مشکلات و مسائل زیادی همراه بوده بجز جشن‌های انجمن. این مکان به نظر ما جای مناسب و خوشنمایی نیست. ما در بعضی از جشن‌های انجمن با یک شاخه گل رز به استقبال خانواده‌های اعضای انجمن می‌رفتیم، دلیلی ندارد که همان خانواده‌ها را بجایی ببریم که خوشنام نباشد.

همانطور که اطلاع دارید در ابتدا هیئت مدیره تصمیم داشت که جشن را در رستوران دیگری برگزار کند و حتی در ماه ژانویه به وسیله SMS به اعضا اطلاع داد ولی بعد از بررسی‌های لازم و تحقیقات زیاد و اینکه خود افراد هیئت مدیره دو مرتبه به محل رستوران رفتند، نتیجه گرفتند که آنجا از نظر ظرفیت و

سرویس دهی، ضعیف و جوابگوی جشن انجمن نیست و به علت کمبود وقت، پیدا کردن مکانی مناسب با امکانات (شام، موزیک، خواننده، نورپردازی و پارکینگ) و قیمت نازل، بعید به نظر می‌رسید.

مظفر: قبلاً در بالا یادآوری کردم که پیدا کردن سالن، آنهم در وسط هفته کار مشکلی نبود ولی قیمت نازل را به هیچ عنوان قبول ندارم به این دلیل که در یکی دو سال گذشته همین رستوران، در شب شنبه با دو نوع غذا و چند نوع پیش‌غذا و دسر و بالاتر از همه با خواننده‌ای که از آمریکا آمده بود، جشن نوروز را با قیمت ۲۵ یورو برگزار کرد. در صورتیکه جشن انجمن در وسط هفته و یک نوع غذا و خواننده معمولی، به قیمت ۲۷ یورو بود و مدیر سالن کاملاً منافع مالی خودش را در نظر گرفته بود در غیر اینصورت کاسب‌کار خوبی نبود، و نه تنها از جهت مالی بلکه از نقطه نظر تبلیغاتی نیز به نفع ایشان بود. به طوری که در گزارش جشن نوروز در ماهنامه شماره ۱۶ بقدری از مدیر این سالن تشکر و قدردانی شده که حتی پا را فراتر گذاشته و نوشته شده است که انجمن، مدیون ایشان است، که به هیچ عنوان این موضوع را نمی‌شود قبول کرد، زیرا که انجمن تا به امروز بیشتر از ۱۷ تا ۱۸ جشن نوروز برگزار کرده است که همگی به خوبی و بهترین وجه انجام شده است و انجمن مدیون هیئت مدیره و اعضای است که تمامی وقت خود را صرف برگزاری این جشن‌ها کرده‌اند. انجمن مدیون احمد جان و کورش است که هر ساله برای زنده نگهداشتن مراسم عمو نوروز و حاجی فیروز این همه زحمت می‌کشند. انجمن مدیون اعضا و دوستانی است که شب و روزشان را صرف مراقبت و نظم و ترتیب دادن سالن‌های جشن نوروز کردند که به بهترین و عالی‌ترین نوع خود جشن نوروز بدون هیچ مشکلی برگزار شود. مدیر این سالن که توسط دوستان ما به عرش اعلا رفته وظیفه‌اش را انجام داده، پول گرفته، سرویس داده و السلام. زیادی تعریف کردن آدم را به شک و تردید می‌اندازد.

همانطور که گفتم من دو مشکل با مدیریت سالنی که جشن نوروز انجمن امسال آنجا برگزار شد، دارم یکی اخلاقی که توضیح دادم و دوم سیاسی که در ارتباط با وابستگی این شخص به گروه خاصی است که این مسئله شخصی است و ارتباطی به انجمن و اعضای انجمن ندارد. و اما چرا این مسئله را مطرح می‌کنم برای اینکه فکر می‌کنم یک حالت دودستگی خاصی در حال شکل گرفتن در انجمن است و من حس می‌کنم که آن حالت صمیمیت و دوستانه، خواسته و یا ناخواسته در حال از بین رفتن است البته من کسی را متهم

نمی‌کنم و صددرصد خود من هم مقصر هستم و حرکاتی کرده‌ام که این مسئله را دامن زده است. اگر اجازه بدهید بیشتر توضیح می‌دهم. یک زمان یک گروه از اعضای انجمن بطور علنی و حتی در ماهنامه انجمن به من تهمت می‌زدند و بد و بیراه می‌گفتند که مظفر مخالف سیاسی شدن انجمن است و مرا مانع راه خود می‌دانستند. نکته جالب توجه اینکه چند سال بعد، در حال حاضر گروه دیگری از دوستان و اعضای انجمن مدعی هستند که مظفر در حال سیاسی کرده انجمن است!!! چرا؟ برای اینکه گفته‌اند بنده خارج از جلسه رسمی انجمن با دوستان، مسئله سیاسی را مطرح کرده‌ام و یا، برای نام بردن کسانی در جلسه انجمن و غیره... بطوری که یکی از دوستان خوب ما، نقل قول می‌کند که با این که در جلسه انجمن حضور نداشته، شنیده بود که به هیئت مدیره توهین شده و همچنان شنیده بود که انجمن می‌خواهد سیاسی بشود، و به خودش اجازه می‌دهد که از طرف تمامی اعضای انجمن و همگی دوستان از هیئت مدیره، معذرت‌خواهی بکند. این مسئله تماماً مورد قبول من هست و حتی خودم به ایشان اجازه می‌دهم از طرف من نیز نماینده باشند چون احترام خاصی نسبت به این دوست عزیز، قائل هستم. ولی نیم ساعت بعد همین عضو محترم انجمن، بد و بیراه به من و به یکی از دوستان که عضو قدیمی انجمن است می‌دهد. متهم به سیاسی کردن انجمن می‌شویم. سؤال من اینجاست که چه کسی حاضر است از من و آن عضو قدیمی معذرت‌خواهی بکند! به نظر من اگر می‌خواهیم حرکتی در سطح انجمن انجام بدهیم بهتر است تحت تأثیر جو ناسالم قرار نگیریم و مستقل عمل کنیم و بحث‌ها بیشتر اصولی باشد.

نکته آخر که می‌خواهم روی آن تأکید بکنم و به هیچ عنوان قصد انتقاد از هیئت مدیره را ندارم این است که در تمامی دوره‌ها، هیئت مدیره‌ها حتی در چند دوره‌ای که خودم در هیئت مدیره بودم، مشکل این بود که هیئت مدیره‌ها فکر می‌کنند بهترین هستند و کارهایی که انجام می‌دهند دیگران تا به حال انجام نداده‌اند! هیئت مدیره امسال در این چند ماه حرکات و کارهای جالب و قشنگی انجام داده‌اند ولی برخوردی نیز انجام شده که به روابط بین اعضای انجمن لطمه می‌زند. در انجمن تا بحال روابط بر ضوابط حاکم بوده و بیشتر مسائل دوستانه حل و فصل می‌شد. ولی من فکر می‌کنم که امسال ضوابط بر روابط حاکم است. برای مثال در مورد حق عضویت‌ها و بازپرداخت وام‌ها، یکی از بهترین کارهای مثبت این هیئت مدیره بوده و واقعاً زحمت زیادی کشیده‌اند ولی اینکه اصرار داشته باشند که ما

تصحیح در هنگام تایپ و بالاخره چاپ ماهنامه و پخش آن، که تمامی این وظایف تا به امروز بخوبی انجام گرفته است. در اینجا جای تشکر از آقایان افشار و امیر که بطور داوطلب کمک‌های شایانی برای انتشار ماهنامه در این مدت انجام داده‌اند، می‌باشد.

بنا به مذاکرات مختلف و بحث‌های انجام گرفته و بررسی‌های لازم، هیئت تحریریه موقت که برای مدت شش ماه انتخاب شده بود، پس از سپری کردن ۱۸ ماه، از کار خویش، تصمیم به پایان کار خود گرفت و بدین وسیله از کلیه همکاران و اعضای انجمن که در این مدت با خلوص نیت و از صمیم قلب با هیئت تحریریه همکاری کردند تشکر کرده و خواستار بهتر شدن و فعال‌تر و پویاتر بودن ماهنامه در آینده می‌باشند. قابل تذکر است که در جلسه‌ای که در ماه مه ۲۰۱۱ هیئت تحریریه با هیئت مدیره برگزار کرد، بنا به تصمیم هیئت مدیره در جلسه ماه ژوئن ثبت نام از افراد جدید برای تشکیل هیئت تحریریه دائمی ماهنامه برگزار خواهد شد و امید است که هیئت تحریریه دائمی در جهت انتشار ماهنامه همچون هیئت تحریریه موقت مستقل و مسئول و جوابگو و فعال باشند.

هیئت تحریریه موقت

آگهی تسلیت

همکار گرامی، خانم زهره ستوده

بدین وسیله مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده و برای شما و خانواده گرامیتان، صبر و شکیبائی مسئلت می‌نمائیم

انجمن تاکسیران

بر هر که بنگری به همین درد مبتلاست
بی داغ نیست لاله باغ بشر همی
تقدیم به دوست و هکار عزیزمان زهره در سوگ از
دست دادن خواهر.

دانائی کبیر که می‌رفت از جهان
گفت این سخن به مادر خونین جگر همی
کز بعد من عزایی اگر می‌کنی به پای

طور نکن که باد پسندیده تر همی
تنها مگری، عده‌یی از دوستان بخواه

کایند و با تو گریه نمایند سر همی
لیکن چه عده‌یی که نباشند داغدار
زان پیشتر به مرگ کسان دگر همی
با عده‌یی بگویی برایم که پیش از این
نموده مرگ در ایشان گذر همی

این کار یا آن کار را کردیم و کسی تا به حال و قبلاً این کارها را انجام نداده است. چرا قبلاً نیز این کارها انجام شده و نتایج حاصله زیاد درخشان نبوده، از این دوستان که صمیمانه مشغول کار انجمن هستند می‌خواهم کمی نرم‌تر و بهتر برخورد بکنند و دوستانه‌تر باشند و به نظرات همگی برخورد مناسب نمایند و اتفاقاً در مورد مکان جشن نوروز وقتی اختلاف نظر پیش می‌آید می‌بایست با درایت و نه با لجبازی این مسئله را حل میکردند.

XXXXXXXXXX

بیان و پایان کار هیئت تحریریه موقت

در سال ۲۰۰۹ پس از پایان مجمع عمومی انجمن که چند ماه به طول انجامید، با همت هیئت مدیره و کمک‌های فراوان و پشتکار مسئول هیئت مدیره آن سال، انجمن موفق به گرفتن مجوز صدور مجده ماهنامه شد. بلافاصله با کوشش مسئول انجمن یک هیئت تحریریه موقت برای مدت شش ماه، که شامل سه نفر بودند (داود، صفا، فرشید) و یک مشاور (علی نیکو) برای انتشار مجده ماهنامه تشکیل شد.

در دسامبر سال ۲۰۰۹ اولین شماره ماهنامه انجمن منتشر شد و مورد توجه و استقبال بسیاری از اعضای انجمن قرار گرفت. در سال ۲۰۱۰ هیئت مدیره جدید با تلاش و کوششهای فراوان و با همیاری و همکاری دائمی هیئت تحریریه موقت، موفق به انتشار مرتب ماهنامه بدون وقفه، در تمام طول سال گردید و در تمام مدت سال چندین بار مسئول هیئت مدیره سال ۲۰۱۰ شدیداً و مکرراً از اعضای محترم انجمن تقاضای کمک و همکاری می‌کرد و خواستار کاندیدا شدن اعضای انجمن برای تشکیل یک هیئت تحریریه دائمی می‌شد و حتی در ماه نوامبر سال ۲۰۱۰ هیئت مدیره اعلام کرد که انتخابات هیئت مدیره سال ۲۰۱۱ همراه با انتخابات هیئت تحریریه خواهد بود و از اعضای عزیز تقاضا کرد که برای فعال‌تر شدن و بارور کردن شکل و محتوای نشریه خود را کاندیدا بکنند، ولی متأسفانه هیچ کس بجز یک نفر (قاسم) کاندیدا نشد و همچنان هیئت تحریریه موقت در سال ۲۰۱۱، به کار خودش با هیئت مدیره جدید ادامه داد. ناگفته نماند که در اواخر سال ۲۰۱۰ به علت مسافرت یکی از اعضای هیئت تحریریه (صفا) آقای رسول جایگزین ایشان شدند. وظایف هیئت تحریریه عبارت بودند از: جمع‌آوری و تهیه مقالات از اعضا و همکاران، تصحیح و غلط‌گیری دستوری و اصلاح مقالات، بحث پیرامون موضوع و محتوای مقالات برای انتخاب آنها، انتقال مقالات برای تایپ و بررسی نهائی و

تنبک، قلب تپنده موسیقی ایرانیست. تهرانی جزو انگشت‌مشار موسیقیدانان ایرانیست که مردم عامی هم با نامش سازش را به یاد می‌آورند. او زمانی که پا به عرصه موسیقی نهاد به هر سویی سری کشید و از هر کس که اندکی گفتنی داشت، درسی فراگرفت. تهرانی از مکتب ابوالحسن صبا و خالقی تا مرشدهای زورخانه درک کرده بود و اندوخته‌هایش را بصورت دسته‌بندی شده و منظم روی تنبک آزمایش و ثبت کرد.

پرویز خطیبی نویسنده، کارگردان و ترانه‌سرا که با تهرانی دوستی داشته در مورد خصوصیات اخلاقی او چنین می‌گوید: - تصادفاً یک روز در آرایشگاه با مردی برخورد کردم که عینک دودی به چشمش بود و با قیافه‌ای جدی جوک‌های شیرین می‌گفت. موجودی بود با قیافه‌ای متوسط، تمیز و سیک‌پوش و زبر و زرننگ و بسیار خونسرد ادب و نزاکت را هیچ وقت فراموش نمی‌کرد و شوخی‌هایش تند و زننده نبود. اولین بار که به اشخاص می‌رسید عینکش را برمی‌داشت و می‌گفت: اگر می‌توانی یک دقیقه به چشمان من نگاه کن و عجیب این که همه در این بازی باخته بودند، چون نگاه کردن در چشمان حسین با آن حالت مخصوص کار ساده‌ای نبود حسین در جوانی هنگامی که در یک کارگاه صنعتی کار می‌کرد دچار سانحه شد و یک چشمش را از دست داد. جالب اینکه حسین تهرانی با آن عینک دودی، شباهت زیادی با عبدالحسین هژیر نخست‌وزیر اسبق داشت با این تفاوت که هژیر قد بلند و چهارشانه بود ولی حسین قدی نسبتاً کوتاه داشت. حسین خودش می‌گفت که در یک خانواده مذهبی و بسیار متعصب بزرگ شدم در آن دوران هنوز مردها کلاه بی‌لبه بر سر می‌گذاشتند و جوان و میان‌سال و پیر غالباً عبا به دوش می‌انداختند.

در زمان ما نواختن آلات موسیقی جرم بزرگی محسوب می‌شد و خانواده‌ها حاضر نبودند فرزندانشان را به فراگرفتن موسیقی وادارند، چون در این صورت از چشم افراد فامیل و اهل محل می‌افتادند و در شهر انگشت‌نما می‌شدند. دوازده ساله بودم که به یک زورخانه رفتم و ضرب گرفتن مرشد را دیدم. احساس کردم به ضرب علاقه زیادی دارم و دلم می‌خواهد که طرز نواختن آن را یاد بگیرم. گلدانی را از توی باغچه خانه برداشتم و ته آن را سوراخ و پوستی بر سر آن کشیدم بعد با دست ضربه‌هایی روی آن زدم، صدایی نسبتاً خوش داشت. روزها وقتی پدرم به کارگاه خودش می‌رفت، ساعت‌ها در گنج اطلاق می‌نشستم و ضرب زدن را پیش خودم می‌آموختم. وقتی سوار واگون‌های اسبی می‌شدم، صدای پای اسب با ریتم مخصوص مرا به هیجان می‌آورد و یا روزهایی که همراه پدر و مادرم سوار قطار شهر ری می‌شدیم - همان

زیرا که داغ دیده بگرید برای خویش
وانگه ترا گذارد منت بر سر همی
گر گریه می‌کنند، کنند از برای من
مرگ کسی نباشدشان در نظر همی
چون خواست مادرش به وصیت کند عمل
با عده‌یی شود به عزا نوحه گر همی
یک تن که داغ دیده نباشد نیافتند
بشتافتند گرچه به هر گوی و درهمی
این گفت دخترم سر زارفته پیش از این
آن گفت مرده شوهرم اندر سفر همی
آن دیگری سرود از هشت ماه قبل
دارم ز فوت مادر خود دیده ترهمی
آن یک بیان نمود که از پنج سال پیش
مرگ پدر نموده مرا دربدر همی
القصه مرگ چون همه کس را گزیده بود
حاضر نشد به محضر او یک نفر همی
چون مادر کبیر راز این گونه دید حال
دانست سرگفته آن نامور همی
یعنی ببین که هیچکس از مرگ جان نبرد
دیگر من گریه برای پسر همی
بر هر که بنگری به همین درد مبتلاست
بی داغ نیست لاله باغ بشر همی
بازی عزیز من همه خواهیم مُرد و رفت
زاری مکن که هیچ درد ندارد ثمر همی
برکن لباس ماتم و افسردگی ز بر
کن جامه شهادت و عزت به بر همی
از هر خیال ببهد خود را کناره گیر

مشغول شو به کسب و کمال و هنر همی
تقدیم به زهره (بخشی از شعر ایرج میرزا)
داود - پاریس

XXXXXXXXXX

برنامه گل‌ها

پیش‌کسوتان موسیقی ایرانی معتقدند که تنبک همانند قلب تپنده موسیقی ایرانی و نگهدارنده ریتم در یک ارکستر است. از طرفی تنبک در خدمت بقیه سازهای یک ارکستر بوده و جمع ارکستر در خدمت خواننده و خود خواننده نیز در خدمت شاعر و شعر است.
یکی از استادان تنبک، شادروان حسین تهرانی است که خاطراتی از وی را در سری مطالب برنامه گل‌ها برایتان نقل می‌کنم.
حسین تهرانی از نوادر موسیقی ایرانی و زنده کننده

ماشین دودی معروف - تا به زیارت حضرت عبدالعظیم برویم، حرکت ترن و سر و صداهاى مخصوص آن را به خاطر می سپردم و این ریتم ها را روی ضرب پیاده می کردم.

یک روز مادرم خبر داد که همسایه ها از صدای ضرب تو به ستوه آمده اند و به پدرت شکایت برده اند. فهمیدم که دیگر نمی توانم در خانه تمرین کنم. روز بعد گلدان را زیر عایم قایم کردم و سوار واگون اسبی شدم. واگون معمولاً از چهارراه لاله زار تا گاراژ ماشین واقع در انتهای شهر تهران می رفت و برای طی این مسافت یک ساعت و نیم لازم بود. من معمولاً به اطاق وسطی که مخصوص بانوان بود می رفتم و از اول تا آخر خط و گاهی برعکس یکسره ضرب می گرفتم. گاهی زن ها یک شاهی صناری هم به دامنم می ریختند و من وقتی به خانه برمی گشتم مبلغی در حدود یک قران یا سه شاهی پول داشتم! به این ترتیب و با دشواری هایی که در پیش رویم بود، به کمک عشق و علاقه فراوان نواختن ضرب را یاد گرفتن ولی بعدها نزد اساتید فن این هنر را تکمیل کردم.

حسین تهرانی همیشه می گفت ضرب قلب موسیقی است. اصولاً هر حرکت انسان ریتم بخصوصی دارد. راه رفتنش، حرف زدنش، نشست و برخاستش، و او بود که برای نخستین بار به کمک شاگردانش یک کنسرت بزرگ ضرب در تلویزیون تشکیل داد. مهارت حسین در تجسم حرکت قطار بقدری زیاد بود که اگر چشمت را می بستى خود را در قطار شهر ری و ماشین دودی می دیدی با همان سر و صداها و خصوصیات همیشگی. متأسفانه پس از حسین افرادی پیدا شدند که خواستند هنرش را و شخصیتش را نفی کنند، در حالی که حسین تهرانی و هنرش و از همه مهمتر بزرگواری و انسانیتش فراموش شدنی نیست.

خصوصیات اخلاقی حسین تهرانی به گونه ای بود که گاهی هنر او را تحت تأثیر قرار داده بود و مثل جمله معروفی که خود همواره می گفت، مردم از تهرانی ۹۹ درصد به عنوان جوانمرد یاد می کنند و ۱ درصد به عنوان هنرمند! البته دلیل این موضوع غریزی بودن زبان محبت است که همه آن را درک می کنند ولی زبان موسیقی را مردم عامی تا حد کمتری می شناسند. اهل فن می دانند که هنر تهرانی هنوز هم یکتاست.

اکبر مشکین در نامه ای یک هفته قبل از مرگ تهرانی به سردبیر مجله جوانان راعتمادی اینطور نوشت: اعتمادی جان من مطلبی دارم که فکر میکنم اگر در «جوانان» طرح شود و جوانان این مملکت بخوانند به اشاعه و توسعه مکتب جوانمردی و آئین و اخلاق ایرانی که تو دنبالش هستی کمک می کند.

میدانی من یکی از دوستان حسین تهرانی استاد بزرگ ضرب بودم. من همیشه می دیدم که حسین زیر نامه هایش را به

جای امضا عدد ۶۳ می گذارد. یکروز دل به دریا زدم و پرسیدم حسین جان چرا تو ۶۳ امضا میکنی؟ جواب داد: تا به حال این موضوع را به کسی نگفتم! ولی حالا می گویم: ناهار در منزل آقای سین دعوت داشتیم. من بودم و دوست دیگر. وقتی وارد خانه شدیم آقای سین مستخدمش را صدا زد و گفت برو نان و کباب و مخلفات را بخر و بیا. مستخدم رفت و خرید و برگشت و مشغول شدیم. بعد از ناهار آقای سین رفت و سراغ بقیه پول ها که باید ۶۳ تومان می بود، اما آنجا نبود. یک مرتبه دیدم مستخدم زیر شلاق فریاد می کشد. او از ته دل فریاد زد و گفت: به علی قسم من برنداشتم. این فریاد یا علی بند بند استخوانم را به ناله درآورد. نفهمیدم چه می کنم، خودم را روی مستخدم بیچاره انداختم، دو سه شلاق به سر و صورتم خورد و در همان حال فریاد زدم: ۶۳ تومان را من برداشتم... ببخشید این بیچاره را نزنید... مرا بزنید. بعد ۶۳ تومان از جیبم دادم و از آن خانه گریختم. اما این ماجرا، عجیب در روحیام اثر کرده و از خودم می پرسم چرا ما انسان ها آن قدر در حق دیگران ظلم می کنیم؟ چرا به مردم تهمت ناجوانمردانه می زنیم؟ از آن روز برای اینکه هیچ وقت ماجرا را فراموش نکنم و همیشه یادم باشد ۶۳ را امضای خودم قرار دادم.

خطیبی می گوید: حسین تهرانی و صبا دو یار جدانشنی و صدیق و باوفا بودند. من حسین و صبا را روزها و شب های زیادی در خیابان ها و محافل و مجالس دیدم. هر دو درویش، هر دو پاکباز و خاکی بودند و همیشه احترام یکدیگر را نگه می داشتند. پاتوق شبانه حسین دکهای بود در چهارراه سید علی که شکری نوازنده معروف و ادیب السلطنه و بسیاری از افراد سرشناس به آن محل رفت و آمد میکردند. منظم، وقت شناس و خوش قول بود. چند تن از شاگردان او در جامعه هنری ایران، هنرمندان انگشت نمایی شدند. اینها افرادی بودند که ماه ها و سال ها تحمل کم حوصلگی و گاهی هم تندخویی استاد را کرده بودند. حسین تهرانی آدمی بود صریح اللجه که حرفش را بدون چون و چرا ولی مودبانه میزد. در جریان تهیه اولین فیلم ناطق فارسی (طوفان زندگی) حسین تهرانی، خالق و بیان شرکت داشتند. آنروزها دستگاه ضبط صدا در ایران کامل نبود. فیلم طوفان زندگی به دلیل نقص فنی گاهی لبه های هنریشان به حرکت درمی آمد ولی صدا لحظاتی بعد به گوش می خورد! پس از اینکه فیلم در سینما رکس به روی پرده آمد، مردم برای تماشای آن سر و دست می شکستند ولی پس از پایان سانس اول حسین همچنان در سالن نشسته بود و تکان نمی خورد! بالاخره کنترل چی به سراغش آمد و گفت: ببخشید آقا فیلم تمام شده. حسین پاسخ داد: من نشستم صداها را هم بشنوم و بروم!

گردآورنده: امیر

در شناخت محیط:

پاریس در طول جنگ جهانی دوم
(۱۹۴۰-۱۹۴۴)

بدون شک چهار سال اشغال پاریس در حین جنگ جهانی دوم بوسیله نیروهای آلمان نازی، سیاه‌ترین دوران در تاریخ این شهر می‌باشد. بطوریکه با نزدیک شدن سربازان آلمانی به دروازه پاریس بیش از نیمی از ساکنین شهر را ترک کرده بودند (آن موقع پاریس بیش از سه میلیون جمعیت داشت) و بقیه مرگ بر کف در انتظار ورود نیروهای دشمن بودند. شگفت آنکه خود آلمانی‌ها نیز از شورش مردم پاریس وحشت داشتند ولی در کمال تعجب، بدون هیچ مقاومتی در روز ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ سربازان آلمانی پاریس را تحت اشغال خود درآوردند! در واقع دولت فرانسه، بعد از بمباران برق‌آسانی مراکز نظامی بوسیله جنگنده‌های آلمانی، ابتدا به Touraine و سپس به Bordeaux عقب‌نشینی کرد تا از درگیری و کشت و کشتار زیاد اجتناب شود. با این همه Paul Reynaud نخست‌وزیر و رئیس شورای عالی وقت حاضر نبود فرانسه تسلیم شود. در نتیجه او استعفا داد و معاونش مارشال پتن (Maréchal Pétain) با تقاضای متارکه جنگ از آلمانی‌ها دولت جدید را تشکیل داد و شهر توریستی ویشی را به خاطر موقعیت و وجود هتل‌های متعدد مقر دولت جدید تعیین کرد و اپرای این شهر پارلمان دولت گردید.

بدین سان پیمان متارکه جنگ که بین مارشال پتن و آلمانی‌ها به تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ به امضاء رسید فرانسه را به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم کرد که بخش جنوبی آن تقریباً منطقه آزاد و شمال تحت اشغال و کنترل آلمانی‌ها بود. طبق این قرارداد دولت فرانسه مجبور بود روزانه ۴۰۰ میلیون فرانک جهت خرج و دخل نظامی به آلمانی‌ها بپردازد و همکاری‌های لازم را با آنان به عمل آورد. ناگفته نماند از یازده نوامبر ۱۹۴۲ با ورود سربازان متحدین در شمال آفریقا منطقه جنوب نیز بوسیله نیروهای آلمانی اشغال شد.

تعداد نیروهای آلمانی که تقریباً دویست هزار نفر بودند با ورود به پاریس سریعاً حکومت نظامی اعلام کرده و از مردم خواستند در خانه‌هایشان بمانند تا آنها با آسودگی و فراغت در نقاط مختلف شهر مستقر شوند. در این رابطه سفارت آلمان در پاریس در کارهای سازماندهی و انتخاب جاهای استراتژیک و مناسب نقش عمده‌ای داشت. آنها عمداً ساختمان‌های معروف و زیبایی پاریس را اشغال کردند از آن جمله Palais de Rose خیابان Foch (مقر فرماندهی نیروهای اشغالی)، La villa Coty در خیابان Raphaël (اقامتگاه رئیس نیروهای نازی، هتل Lutetia (مرکز سرویس جاسوسی)، هتل Raphaël در خیابان Kleber

(مرکز فرماندهی نظامی)، هتل Ritz، هتل Crillon، ساختمان پارلمان، سنا و ده‌ها ساختمان‌های بزرگ بخصوص در ورودی‌های پاریس را اشغال نمودند.

بدین طریق با استقرار در نقاط استراتژیک شهر، نیروهای آلمانی، در اندک زمانی بر اوضاع مسلط شدند. آنها حتی تابلوهای علایم رانندگی مسیر حرکت را در خیابان‌ها به زبان آلمانی نصب نمودند و سردرهای مجلس و شهرداری را به نشان آلمان نازی مزین کردند. و تابلوهای تبلیغاتی از جمله «به سربازان آلمانی اعتماد کنید» در نقاط مختلف شهر قابل رؤیت بود. در واقع شیوه‌ای برای جلب و همکاری یک عده فرانسوی‌های فرصت‌طلب که حاضر بودند برای اجتناب از صف مواد غذایی با دشمن همکاری کنند.

در چنین شرایطی یک عده از اهالی پاریس که شهر را ترک گفته‌اند به خانه و کاشانه خود برگشتند ولی توزیع مواد غذایی و سوخت که در تحت کنترل آلمانی‌ها بود عرصه زندگی را بر مردم تنگ‌تر کرده بود. هر روز می‌بایست در مقابل شهرداری‌ها برای دریافت کوپن صف کشید و سپس از مراکز توزیع مقداری مواد غذایی دریافت کرد. از طرف دیگر حرکت و جابجائی بخاطر کنترل مشکل‌تر شده بود و مردم مجبور بودند بیشتر با دوچرخه و موتورسیکلت و گاری و یا vélos-Taxis رفت و آمد کنند.

با این حال از اکتبر ۱۹۴۲ مدارس براه افتادند و فعالیت کارخانه‌ها از سر گرفته شد و خانم‌ها را مجبور کردند برای جبران کمبود نیروی کار در کارخانه‌ها مشغول شوند. برای سرگرمی و تفریحات سینماها فعال‌تر شدند بطوریکه در طول جنگ تعداد تماشاگران فیلم خیلی افزایش پیدا کرد. ناگفته نماند سینما و مدارس مکانی بودند برای تبلیغات ایدئولوژی نازی‌ها و «انقلاب ملی» مارشال پتن که در شهر ویشی مستقر بود و فعالیت آنها برای اکثر پارسی‌ها چندان ملموس نبود. البته به تدریج نمایندگان رژیم ویشی سر و کله‌شان در پاریس نیز پدیدار شد و همکاری تنگاتنگ خود را با آلمان‌ها شروع کردند که بنام Collaborationniste مشهورند. آنها تحت‌نظر (Sipo-SD) سرویس امنیتی رایش در خیابان Lauriston مستقر بودند و با کمیسریای مربوط به مسائل یهودی که در pl. des petits pères و یا انستیتو مطالعات مسائل یهود در خیابان Boetie همکاری داشتند. نقش این فرانسوی‌ها که با سرویس مخفی آلمان در رابطه بودند در دستگیری یهودی‌های ساکن پاریس و حومه و اعزام آنها به کمپ مؤثر بود به احتمال زیاد بدون همکاری این فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها نمی‌توانستند این همه یهودی‌ها و یا معترضین به سیاست آنان را دستگیر و از بین ببرند.

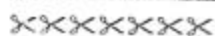
اطلاعیه

هیئت مدیره تصمیم به برگزاری یک دوره مسابقات تخته نرد، در سطح انجمن را دارد. از همکاران و اعضای علاقه‌مند تقاضا داریم برای ثبت نام به یکی از اعضای هیئت مدیره مراجعه کنند.



اتحادیه انجمن‌های اروپا

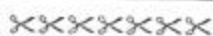
در تاریخ شنبه ۱۴ ماه می در پاریس جلسه‌ای در رابطه با انجمن‌های فرانسه تشکیل شد. موضوع این جلسه ایجاد ارتباطات و تبادل نظر بین انجمن‌های فرانسه در درجه اول و با کلیه انجمن‌های اروپا در مرحله بعدی بود. ناگفته نماند که در کشور فرانسه در حدود ۲۰۰ انجمن ایرانی وجود دارد که در این جلسه در حدود ۱۵ تن از نمایندگان انجمن‌ها شرکت داشتند. در این جلسه یک هیئت ۷ نفری برای تشکیل یک اتحادیه انجمن‌ها در فرانسه و سپس در اروپا انتخاب شد. هدف از ایجاد این اتحادیه کمک به ایرانیان مقیم اروپا و ایجاد هماهنگی و ارتباط (بدون دخالت در کار هر انجمن)، بین انجمن‌های ایرانی می‌باشد. در این جلسه نماینده انجمن تاکسیران از طرف هیئت مدیره خانم مینا بود که جزء هیئت ۷ نفری تشکیل اتحادیه می‌باشد. یکی از موضوع‌های جلسه ماه ژوئن بررسی همین مسئله و نظرخواهی از اعضای انجمن در این رابطه است و سؤال مهم این است که آیا انجمن خواستار می‌باشد که در این اتحادیه وارد شود یا خیر؟



اطلاعیه

ششمین جلسه عمومی انجمن تاکسیران در سال ۲۰۱۱، دوشنبه ۶ ماه ژوئن ساعت ۱۹:۳۰ در رستوران الهام در برگیرنده مطالب زیر می‌باشد.

- سخن هیئت مدیره
- انتخاب محل و زمان پیک‌نیک
- ثبت نام از کاندیداهای هیئت تحریریه
- گزارش صورتجلسه اتحادیه انجمن‌های اروپا
- شرکت Mme CHALABI در ارتباط با حسابداری و بیلان
- بحث آزاد



اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران الهام برگزار می‌گردد.
Chez - Elham, 11, Rue de la REYNIE
75004 Paris - Métro : Chatelet-Les-Halles
حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.

از طرف دیگر گرچه دولت فرانسه (رژیم ویشی) تسلیم و همکاری آلمانی‌ها را قبول کرده بود ولی در نقاط مختلف کشور بخصوص جنوب فرانسه مبارزه و مقاومت بر علیه اشغال کشور و ایدئولوژی فاشیستی آلمان نازی وجود داشت. در پاریس دو سه سال بعد از اشغال بخصوص بعد از حمله آلمانی‌ها به شوروی طرفداران احزاب سوسیالیست، کمونیست و سندیکاها این مبارزات را بطور مخفیانه شروع کردند و یا با جبهه مخفی شمال که بوسیله ژان مولن سازماندهی شده بود همکاری داشتند. البته روزنامه‌ها و دانشجویان نیز تشکیلات مخفی خود را داشتند و بیشتر از طریق رادیو لندن که آن موقع ژنرال دوگل در آنجا بود تقویت می‌شدند. ولی نقطه عطف این مبارزات، از شش ژوئن ۱۹۴۴ با پیاده شدن سربازان آمریکائی در شمال فرانسه شروع می‌شود و کمیته رهایی‌بخش پاریس (CPR) با راه انداختن یکسری اعتصابات و کم کاری‌ها مردم را به تشویق به مقاومت و مبارزه جدی می‌نماید. تا اینکه در ۲۵ اوت ۱۹۴۴ جبهه مقاومت که در رأس آن ژنرال Le Clerc بود با پشتیبانی نیروهای آمریکائی وارد پاریس می‌شوند. سربازان آلمانی عقب نشسته‌اند لحظه رهایی پاریس بالاخره فرا رسیده و سربازان آمریکائی بعنوان ناجی با استقبال پرشور اهالی پاریس در شانزله‌یزه گل‌باران می‌شوند!

بدین سان جنگ جهانی دوم که در اول سپتامبر ۱۹۳۹ با حمله نیروی آلمان نازی به لهستان شروع شده بود در دوم سپتامبر ۱۹۴۵ با بیش از پنجاه میلیون کشته (۲۰ میلیون غیر نظامی) به پایان می‌رسد. این جنگ، در واقع از لحاظ کشته و خسارات و تلفات وحشتناک‌ترین و پرخرج‌ترین جنگ در تاریخ بشریت است که به اوج جنون بشریت یعنی توسل به استفاده از بمب اتمی بر روی شهرهای هیروشیما و ناگاساکی در ژاپن انجامید، ولی باعث نشد که جنگ و خون‌ریزی به پایان برسد. به عبارت دیگر، بشر مدرن امروزی همچنان اسیر در چنگ قدرت و پول گوئی از گذشته درس نگرفته و خاطره تاریخی‌اش را فراموش کرده، و بعید نیست در آینده نزدیک شاهد جنگ جهانی سوم باشیم!

فی‌العاقبت‌الخیر

رسول

علاقه‌مندان برای اطلاع بیشتر به کتاب:

Ville Lumière, années noires, de Cécile Desprairies

مراجعه کنید.